

جمال شورهچو (فیلمساز)

ی‌الله صدقی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

پرویز شیخ طادی (فیلمساز)

داود میرباقری (فیلمساز)

جهانگیر الماسی (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی ققیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلعشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

سینمای امروز غالب بر جهان، از فیلم‌های هنری و روشنفکرانه و همچنین از آثار صرفا سرگرم کننده عبور کرده است. پر فروش ترین فیلم ها و مطرح ترین آثار در جشنواره ها و محافل سینمایی غرب –به ویژه آمریکا- فیلم هایی با بار ایدئولوژیک و از جنس استراتژیک هستند. به طوری که نمی توان در میان فیلم های برگزیده مراسم اسکار یا جشنواره کن، فیلمی را یافت که خارج از سینمای ایدئولوژیک و استراتژیک باشد. اما سوال مهم این است که چرا سینمای ما از فقدان چنین فیلم هایی رنج می برد؟ برای یافتن پاسخ این پرسش و آسیب شناسی ساختار مدیریت سینمای ایران با جواد اردکانی، کارگردان فیلم‌هاو سریال‌هایی چون «شور شیرین»، «به کبودی نمی‌شود»، «نوشدارو» و ... و پژوهشگر فرهنگی گفت وگو کردیم.

***سوال مهمی که برای بسیاری وجود دارد این است که چرا کشوری با این عقبه فرهنگی و تاریخی و حضور قدرتمند استراتژیک در عرصه جهانی، فاقد سینمای استراتژیک است؟**

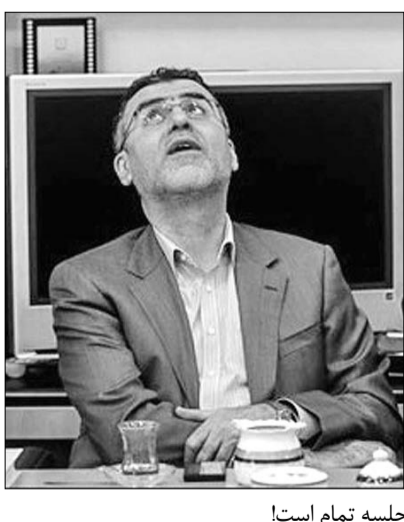
سینمای استراتژیک از جمله چیزهایی است که معرفی‌نشده اما تعریف نشده است. متأسفانه اصطلاحات و عناوین زیادی در حوزه فرهنگ در یک دوره ای آن قدر تکرار و سر زباز می افتد که هیچ وقت تعریف نمی شنوند. حتی اگر شما پرسند تعریف سینمای دینی چیست، به یک تعریف جامعی دست نمی یابید. سینمای ملی ، معنارو ... چه تعریفی دارند؟ ما در عرصه فرهنگ، گرفتار این معروف های تعریف شده اییم. متأسفانه همین ها هم مبنای تصمیم گیری می شوند و مبنای غلط های بزرگ اگر منظور از سینمای استراتژیک فیلم‌هایی است که به موضوعات نظامی و امنیتی می پردازند و ظاهراً نمونه‌های خارجی هم که در دواستان اشاره می کنند، به این موضوعات اشاره دارد، خیلی جای نگرانی نیست. اما اگر منظور از سینمای استراتژیک فراتر از این باشد، یعنی سینمایی که استراتژی کلان کشور را در حوزه های فرهنگی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و ... در دراز مدت و میان مدت مدنظر قرار دهد وضعیت فرق می کند. به نظر می رسد بخشی از سینمای غرب که استراتژیک است اتفاقاً نمونه های فیلم‌های سیاسی و نظامی و امنیتی آن هانیست، بلکه فیلم های استراتژیک غرب، فیلم هایی هستند که در حوزه تولید نیاز و تعریف رفتار برای ملت‌ها ساخته می شوند. مثلا مجموعه فیلم‌هایی که آمریکا را به عنوان مدینه فاضله یا قطب نجات دهنده و قدرت قابل اعتماد جهان معرفی می کنند. در دل این فیلم‌ها سبک زندگیشان را تحمیل می کنند و نظام ارزشی ما را تغییر می دهند. فیلم‌هایی که نظام ارزشی غرب را به جای یک مفهوم شرقی و اسلامی تعریف می کنند به نظرم استراتژیک تر از فیلم هایی هستند که به یک رویداد سیاسی و نظامی و امنیتی می پردازند و دست‌ان نشان برای مخاطب رو شده. تعداد بسیار زیادی فیلم‌های رفتارساز و فرهنگ ساز و روش ساز غربی هست که آن‌ها را به عنوان سینمای استراتژیک هیچ وقت بررسی و تحلیل نمی کنیم. در حالی که خط اصلی در این نقطه است و مقابله اصلی در این صورت گونه.

*** مواجیه ما باید در مقابل این گورده فیلم ها چگونه باشد؟ آیا باید فقط به تحلیل و محکوم کردن بسنده کنیم یا**
برکاری مدیر نام آشنا و پرآوازه جشنواره فیلم فجر و بر سر کارآوردن مدیری غیرمتخصص و کمتر شناخته شده به جای وی، نشانه آشکاری از علاقه رئیس سازمان سینمایی به چهره های غیرمشهور است. سرنمایی که از حدود یک سال قبل، به کارگردانی حجت الله ایوبی آغاز شد و ماجرای برکناری رضاداد از دبیری جشنواره فیلم فجر نیز قسمت اخیر آن بود. اما چرا رئیس سازمان سینمایی دولت تدبیر و امید، به مدیران مشهور و متخصص علاقه ای ندارد؟

در کارنامه حجت الله ایوبی، هیچ رد پایی از سینما دیده نمی شود. در کارنامه کاری او، نویسندگی برای روزنامه «رسالت»، ریاست دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق، معاونت اجتماعی وزارت کشور، معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان بازرسی کل کشور، ریاست سازمان اگو و ... دیده می شود. تنها مسئولیت های ایوبی که به سمت کنونی وی قرابت داشته اند را می توان مدیر کل پژوهش های سیاسی و مدیران وزارت رضاداد از دبیری جشنواره فیلم اسلامی ایران در فرانسه دانست. شاید همین عدم تسلط بر عرصه سینما نیز سبب شده تا حجت الله ایوبی در موقعیت های چالش برانگیز کمتر ظاهر شود. به طور مثال، در تنها نشست خبری خود با نماینده های رسانه ها، جلسه را به گونه‌ای برگزار کرد تا فرصت طرح سوالات جدی از سوی رسانه‌های منتقد دولت فراهم شود. در آن جلسه خبری و در حالی که به خبرنگارهای رسانه های همسو یا دولت اجازه داده شد تا حتی چهار سوال را هم مطرح کنند، به میض این نوبت خبرنگارهای رسانه های منتقد رسید، اعلام کردند که وقت

استراتژی مدیران غیرسینمایی در سازمان سینمایی

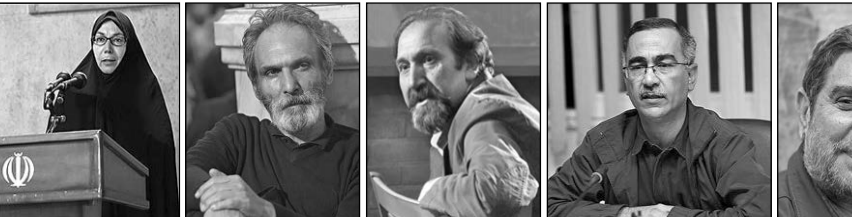
حسین کارگر



جلسه تمام است! ایوبی گرچه خود تخصصی در زمینه سینما ندارد، اما در آغاز کار، به واسطه گرد هم آوردن مدیران مجرب و آشنا با بیچ و خم های این عرصه، تن به درباری من تراطم سینمای ایران سپرد. با این حال، این وضعیت، تنها برای مدت کوتاهی دوام داشت. چون رفته رفته مدیران کمتر شناخته شده و فاقد سابقه در عرصه مدیریت سینما، سمت‌های سازمان تحت صدارت ایوبی را تسخیر کردند. به این ترتیب، محمدرضا جعفری جلوه که خودش سابقه معاونت سینمایی وزارت ارشاد را برعهده داشته، از مدیریت بنیاد فراهی برکنار و علیرضا تابش جایگزین وی شد. تابش، گرچه از مدیران وزارت ارشاد بوده، اما انتصاب او در جایگاه مدیریت یکی از مهم ترین گلوگاه های سینمای کشور، آن هم بدون هیچ زمینه و تخصصی در زمینه

تصویرو روز

tasvirroz@kayhan.ir



پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی ققیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

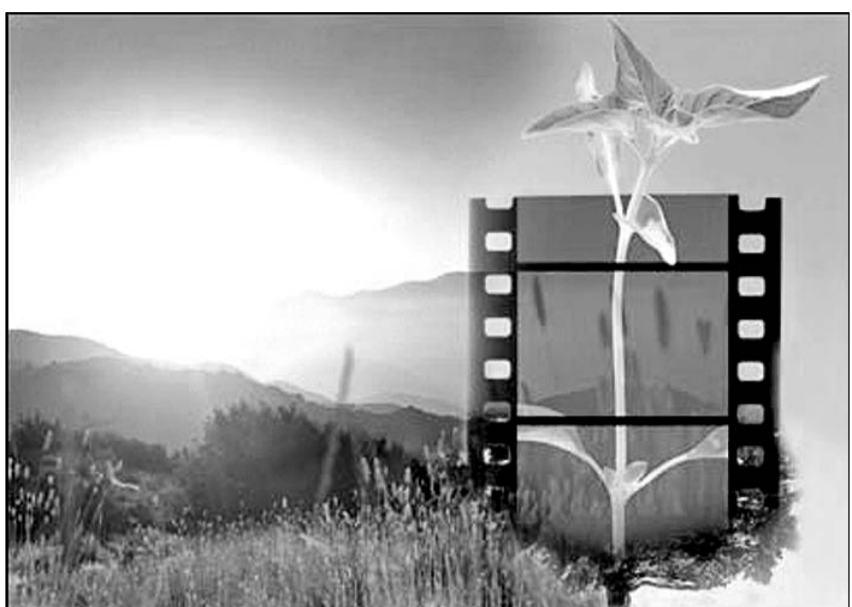
شهید آوینی (فیلمساز)

جواد اردکانی (فیلمساز)

گفت وگو با جواد اردکانی کارگردان سینما و تلویزیون

نقشه راه تحول سینمای ایران کجاست؟

لیلا کریمی



جدید را در همان ساختار بریزیم و خروچی اش بشود آنچه ما می خواهیم. ۳۰ و چند سال است این کار را می کنیم اما جواب نداده است؛ در حوزه سینما هم این گونه است. ما متأسفانه ساختارها را جدی نگرفتیم و ساده انگارانه فکر می کنیم هر ساختاری را می توانیم مدیریت کنیم و محتوای مورد نظر را در آن بریزیم و از آن یک خروچی بگیریم. تجربه این ۳۰ وچند ساله بعد انقلاب نشان می دهد، تا



ما مشکلمان را در حوزه ساختارها حل نکنیم همه سرمایه گذاری هایمان یا کاملا بیهوده است یا درصد زیادی به هدر می رود. در حوزه سینمای استراتژیک هم همین طور است. بر فرض که یک روزی در حوزه فرهنگ تعریف استراتژی کنیم و برنامه های کلان فرهنگی داشته باشیم. اگر ساختارهایمان اصلاح نشود ، در می مانیم. این سینما با این ساختار قادر نیست این ماموریت ها را با موفقیت انجام دهد. *** ما به عنوان رسانه های انقلابی چه هدفمان تغییر ساختارهای فرسوده است چه باید کنیم؟** تصور می کنم که رسانه ها کمک کنند به اینکه مشهورات مهمم باقی نماند و آنها را بازتعریف و آسیب شناسی کنند. واقعا اگر یک تیم مدیریتی به هر دلیلی یک مسیر غلط و نادرستی را با عنوان سازی ها ... پیش می برد ، وظیفه رسانه است که روشنگری کند. اگر واقعا سینمای معنا گرا اساسی است ، آن را حمایت کنید که فراموش نشود. اما از روز اول که معلوم نبود سینمای معناگرا چیست، رسانه‌ها به جای اینکه خواستار تعریف این اصطلاح ششوند و مدیران را به چالش بکشند، تبدیل به بلندگوهایی شدند که این اسم را تکرار

هر جشنواره هنری، با ۳ هدف کلان یا می گیرد:

یک- تعیین مصداق‌های برتر هنری، دو- الگودهی، جهت‌دهی و تأثیرگذاری

به حیظه موضوع جشنواره، سه- تقدیر و ترغیب هنرمندان به ادامه

فعالیت پویا و سازنده.

باید گفت: اعتبار جشنواره‌های هنری با

نگاه به چند شاخص، سنجیده می‌شود:

موضوع، میزان دربرگیری مخاطبان، دایره تأثیرگذاری در گستره موضوع، جنس و میزان توانمندی هنرمندان شرکت‌کننده در آن. کیفیت آثار شرکت‌کننده، سطح علمی و هنری داوران!

برخی از کارگزاران سیاسی- می‌کوشند با ترسیم جایگاه بلند برای جشنواره‌های مختص کشورشان، دست به جعل واقعیت بزنند! آیین‌های هنری خود را «برتر»، «حرف‌های» و «سترج» معرفی و توصیف کنند تا حضور در میدان جشنواره، یک «ارزش» برای هنرمندان تلقی شود. تا آثار منتخب جشنواره، از طرف مخاطب پذیرفته نشود و محتوای آنها، به عنوان «لگو» و «سرمشق» مسیر هنرورزی قرار گیرد. محتوایی که همدستان با مواضع کارگزاران سیاسی است! چه معیاری، افشاکننده ماهیت سیاسی و غیرحرف‌های یک جشنواره است؟!

پاسخ روشن است:

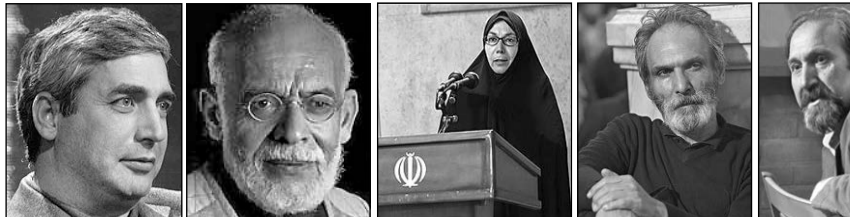
- «نوع آثار هدف پذیرش و تجلیل‌شده» آیین برلین، همانا رویدادی است که در قالب آن، فیلم درجه سوم یک کارگردان مجرم و مدعی متلا ایرانی نمایش پیدا می‌کند تا در پرتو آن، جامعه ایرانی؛ فلاکت‌زده و ماتم‌کده و سیاه و چرک ، رو به آذهان مخاطب، واتاب پیدا کند.

کارگردان فیلم «تاکسی» همان کسی

است که در دوران فتنه ۸۸ در زیرزمین

تصویرو روز

tasvirroz@kayhan.ir



پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی ققیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی کیا(فیلمساز)

سلحشور (فیلمساز)

علی نصیریان (بازیگر)

مجید مجیدی (فیلمساز)

نگاهی به سریال «شمعدونی»

ابله نگاری در ساختمان بیماران!

آرش فهیم

است که کردار و پندار و گفتار منفی را در قالب پرسوناژهایی فانزتیک و سمپاتیک بروز می دهند. در نتیجه، بیننده ها با این گونه کاراکترها همذات پنداری می کنند و به جای اینکه از ناهنجاری آن‌ها عبرت بگیرند، تحت تأثیر قرار می گیرند. این اتفاق، درباره کودکان و نوجوانان شدیدتر است. چون آثار هنری و رسانه ای به طور مستقیم به ناخودآگاه بچه ها می چسبند. مثلا گستاخی های عرشیا در این سریال به جای اینکه باعث تأدیب خردسالان نشود، منجر به ریختن قیج حرکات بی‌ادبانه نزد بچه ها می شود.

سریال «شمعدونی» همان طوری که از اسم آن پیداست، قرار است به موضوعات و آدم‌های عامیانه بپردازد. مثل گل شمعدانی که جزو گیاهان گیرومی و فاقد اصل و نسب ایرانی محسوب می شود. سرعت تکثیر بالایی دارد، آپارتمانی، هر جایی صفت و البته شاداب و نشاط بخش است. البته این استعاره تنها در نام و در



ظاهر دیده می شود. چون سریال جدید سروش صحت درباره آدم های پرت و پلایی است که نه چندان واقعی هستند و نه خیلی فنتزیک. تنها ویژگی آن ها، بلاغت تام و تمام است! این ابله نگاری فقط به آدم های سرریال محدود نمی شوند، بلکه همه اتفاقات و موضوعات هم اغراق آمیز و توأم با حماقت هستند. به طوری که باور این افراد و مسائل و حوادث در دنیای واقعی امکان پذیر نیست. البته بروز حوادث فراواقعی در یک اثر نمایشی، پذیرفتنی است، اما باید فضا و زمینه‌ای فراهم شود که پذیرش مخاطب را به همراه داشته باشد. کارهای شخصیت هایی مثل رولر و هسادی یا هارولد لوید و برادران مارکس ... و نیز لیلپاه و اغراق آمیز است. اما همان طور که گفتم، رویدادهایی که برای اهل های ماندگار تاریخ سینمای کمدی رخ می دهند، با پس زمینه و روایی محیطی و روان شناختی و امکان نقد زنیکی شاعرانه «شمعدونی» ما به مرکز زندگی روزمره و واقعگرایانه دو خانواده می رویم. خوب، چرا شخصیتی چون هوشنگ، تا این حد کودن است؟ چرا پسر او سعید، این قدر تصمیم‌های غیرعقلانی و ناهنجار می گیرد؟ مثلا چه نوع زمینه شخصیتی و اجتماعی یا چه اتفاقاتی او را وادار می کند تا دست از استفاده از تکنولوژی بردارد و حتی وقتی پدربزرگش سکنه می کند، حاضر نباشد تا تلفن را بردارد و اورژانس را خبر کند؟ چرا اعضای ای که خانواده یا اینکه این همه با هم عموو پراش می کنند اما به طور دائم نیز با هم مهمانی برگزار می کنند؟ ایسن‌ها همه پرسش‌هایی هستند که «شمعدونی» به آن‌ها پاسخ قانع کننده ای نمی دهد.

باید پرسید؛ اگر برلین، کن و... سیاسی نیستند چرا یک فیلم درجه سوم تنها به دلیل ماهیت ضد اخلاقی و سیاهنمایی نسبت به فضای عمومی ایران، در بطن آنها مجال نمایش پیدا می‌کند و تایید و تحسین هم می‌شود؟!

اگر برلین، کن و اسکار و... ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک ندارند؛ چرا فیلم‌هایی با ایدئولوژی صهیونیستی یا ایدئولوژی صریح دشمن‌ستیز، فرصت درخشش در قاب آنها را می‌یابد؟

فیلم اسکاری «فهرست شیندلر» ماهیت جدا از ایدئولوژی صهیونیستی دارد یا ندارد؟ فیلم «بی، گرم‌ترین رنگ است» ماهیت دین‌ستیزانه دارد یا ندارد... مسلما دارد! اما چرا کن- به‌ظاهر بدون موضع ایدئولوژیک-آن را می‌پسندد؟!

از این رو کاملا طبیعی است که کن یا برلین، برای نمایش فیلم «محمد رسول...» ساخته مجید مجیدی، اشکال تراشی و مانع‌گذاری کند!

«محمد رسول...» اثر سینمایی فاخری است که جهان فکر «دیروز» و «امروز» را به چالش فرا می‌خواند! اشاراتی سیاسی و فرهنگی «روزآمد» و «صریحی» دارد! بشارت استیلاي مستضعفین بر استکبار جهانی را تصویر می‌کند!

طبیعی است که جای نمایش چنین فیلمی، اسکار و کن و غیره نیست و اگر هم نمایش یابد، به‌عنوان یک «بیز سیاسی» قابل تحلیل است!

شک نکنیم، اجتماعتای در سراسر جهان وجود دارند که مستقلا از دولت‌ها، برای نمایش آثار سینمایی ارزشمند تقلا می‌کنند. معرفي و نمایش آثار سینمایی نیستند. نمایش فیلم‌ها فخر سینمای ایران را به اراده‌های متعدها در می‌مدی در فرا مرزها بیسپاریم!

نیاز به قانون‌گذاری و سند بالا دستی و تعریف استراتژیک و وقت دیگری سینمای مقاومت ، و بعد سینمای ملی ... همه یک مشت لفاظی است که متأسفانه چون تعریف نشده هر کسی به فراخور خودش تعریف و کارش را پیش می برد. امیدوارم رسانه های ما کارشناسی را آنها گیر بدهد و کار اساسی که باید در مجلس انجام دهد مغفول واقع می شود و انجام هم نمی شود. در جلسه کمیسیون فرهنگی مجلس به آقایان گفتم و خیلی بدشان آمد ، اما باز هم می گویم ؛ آقایان نماینده مجلس ، تصور نکن با غلیظ کردن ممیزی، مشکلات سینما را حل می کنی و دنبال این نباش که قانون و مصوبه‌ای بگذاری که ممیزی را پرزنگ تر کنی ! حوزه ر ادور می زنند ؛ شمشا وظیفه دیگری داری و به آن وظیفه ات عمل کن .

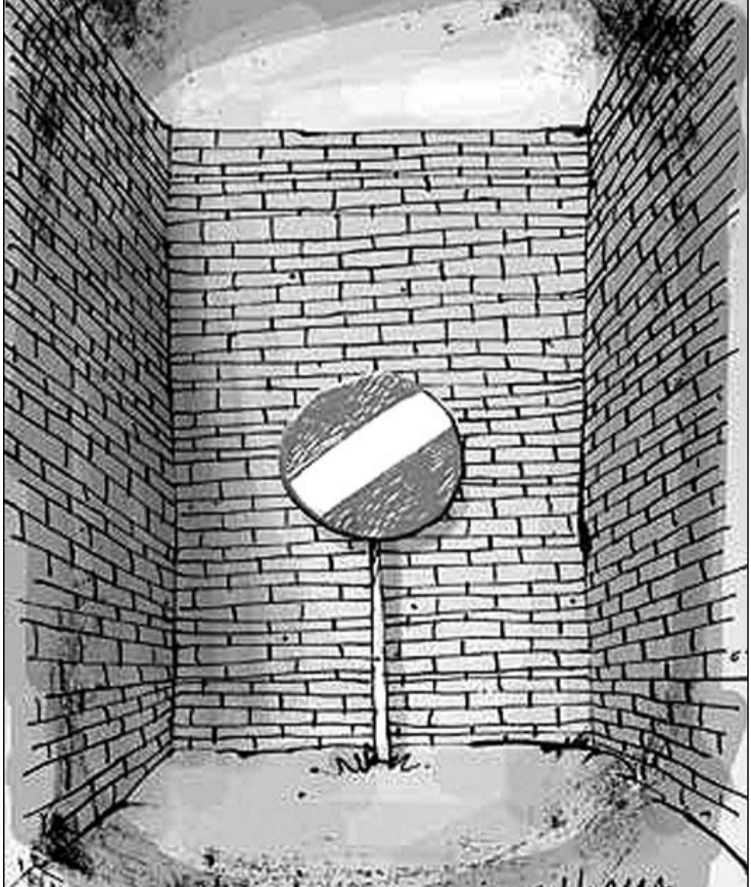
*** اما همه کشورها ممیزی دارند!**
اتفاقا یکی از مسائلی که کمیسیون فرهنگی مجلس باید به آن بپردازد همین است که بیند مشکل سینمای ایران چیست که از بیرون آن را ممیزی می کنیم. چرا سینمای ما مثل هالیوود خودش را ممیزی نمی کند؟ چرا هالیوود در ساختارش خود برخوردی را دارد و نیازی نیست از بیرون، دولت و مجلس به سینماگر چیزی را دیکته کنند. ساختار هالیوود به گونه ای است که کمپانی ها همه چیز را ممیزی می کنند و پای حاکمیت هم به میان نمی آید. اشکال ساختاری در سینمای ایران داریم که حاکمیت و دولت باید برای ممیزی هزینه های هنگفت بدهد؛ این مورد را درست کنید! چرا ما نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم ? به دلیل اینکه راهی که مجلس

باید برود ، نمی رود. همان طور که در حوزه فرهنگ و نهادهای ذی ربط فرهنگی این کار را انجام نمی دهند! متأسفانه گرفتار مشکلات ریشه ای و زیر بنایی هستیم و سر مصادیق به سر و کله هم می‌گوئیم و خیلی احساس راحتی می کنیم که ای جان! فلان فیلم اثری ندارد و چالب اینکه همان فیلم، دو سال بعد اکران می‌شود! معتقدم در حوزه کلان فرهنگ، نهادهایی مثل شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس و نهادهایی که می توانند کار کلان انجام دهند ورود جدی به حوزه سینما و فرهنگ کنند و بعد از این است که ما کمیسیون فرهنگی مجلس وظیفه بزرگتری داریم! همه کار شما تبدیل به برخورد های مصداقی شده است ... ما اگر در حوزه فرهنگ

نه، رسانه‌ها باید این مورد را مطالبه کنند. من با شما در حال صحبت هستم و از شورای عالی انقلاب فرهنگی سوال می‌کنم که اقا شما نقشه راه فرهنگی تان کجاست؟ استراتژی فرهنگی تان در طی این ۳۰ و چند سال چه بوده؟ در این زمینه چه کار کردید؟ چرا هر مدیر سینمایی می آید مدیر قبلی خودش را می‌کند و فیلم هایی که اجازه پخش مدیر قبلی داده توقیف می‌کند و بالمکس! چرا دولت‌ها، سیاست‌های فرهنگی دیگر را نفی می‌کنند؟ *** شما فکر می کنید چرا این گونه‌است؟** دلیل آن یک چیز است؛ ما مسند بالا دستی نداریم. ما متر و معیاری برای سنجش بازتعریف و آسیب شناسی کنند. واقعا اگر یک تیم مدیریتی به هر دلیلی یک مسیر غلط و نادرستی را با عنوان سازی ها ... پیش می برد ، وظیفه رسانه است که روشنگری کند. اگر واقعا سینمای معنا گرا اساسی است ، آن را حمایت کنید که فراموش نشود. اما از روز اول که معلوم نبود سینمای معناگرا چیست، رسانه‌ها به جای اینکه خواستار تعریف این اصطلاح ششوند و مدیران را به چالش بکشند، تبدیل به بلندگوهایی شدند که این اسم را تکرار

نمایش بی جشنواره!

پژمان کریمی



خانهاش، جمعی از فامیل را گسرد آورد تا ادعاهای زشت و موهن یکی از حامیان فتنه - مهدی کریمی - مستند نماید. در همین

در مجموع، کن، برلین، اسکار و... کدام یک به فیلم‌ساز و فیلم ارشدمدارانه و متعدهانه،